



گزارش سیاسی

اطلاعات)، در آغاز سخن به فرآز و فرود کشورهای حاشیه خلیج فارس از ابتدا تا پس از «بهار عربی» پرداخت. وی گفت: آمریکایی‌ها تقریباً در اواسط دوره اوپاما (سال ۱۳۸۸) تصمیم گرفتند اولویت نخستشان چین و دریای چین باشد و بر همین اساس سیاست‌هایشان تنظیم می‌شد. پس از آن، شرایطی پدید آمد که شاید مهم‌ترین آن جنگ اوکراین باشد که مجموعه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس را در این دو سال جنگ اوکراین، بسیار مهم جلوه داد و ادامه هم خواهد داشت، یعنی در حال حاضر بدون تردید یکی از مهم‌ترین بخش‌های جهان، خلیج فارس است و آنچه در اینجا مورد بحث است، عمدتاً درباره شیخ‌نشین‌ها و عربستان است و در مورد خلیج فارس صحبت نمی‌کنم. مسجدجامعی افزود: وقتی می‌گوییم مطالعه ژئوپلیتیکی، این بدان معناست که وقتی همه عناصر اعم از تاریخی، دینی، هویتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شاکل می‌دهد، این می‌شود مطالعه ژئوپلیتیک. بنابراین نوع نگاه به مسائل از منظر ژئوپلیتیکی با نگاه به مسائل از منظر سیاسی یا اجتماعی کاملاً متفاوت است

و آنچه درباره شیخ‌نشین‌ها و عربستان در اینجا می‌خواهیم بحث کنیم، از زاویه چنین نگاه است.
انسجام‌شورای همکاری

وی تصریح کرد: نکته اول این است که شش کشور که خودشان را «شورای همکاری خلیج فارس» می‌نامند، علی‌رغم اختلافات خلیج فارس و حتی تنش‌های مزی، نوعی هماهنگی بایکدیگر دارند و دیگران نیز به آنها به عنوان یک مجموعه نگاه می‌کنند.

نکته دوم این است که این شش کشور منافع مشترک دارند؛ به طوری که وقتی حدود ۵سال قبل، به شش کشور عربستان، امارات و بحرین (به اضافه مصر که بیرون از این مجموعه است)، قطر را به قدرت تحریم کرد، نتوانستند به این تحریم ادامه دهند، چون بیش از آنکه قطر مشکل پیدا کند، خودشان به مشکل خوردند. دلشلیخ هم این است که این مجموعه به منزله یک خانواده است و در مناقسه با کشورهای دیگر در جهان، شورای همکاری خلیج فارس یکی از محکم‌ترین‌ها و منسجم‌ترین‌هاست. به رغم تفاوت‌هایی که این کشورها از لحاظ ساختار قبیله‌ای و تاریخی و اجتماعی دارند و حتی با وجود حضور سنگین انگلیس در قرن ۱۹ و ۲۰، در حال حاضر یک مجموعه نسبتاً واحد هستند.

وی افزود: موضوع دیگر درباره گذار موفق این کشورها پس از پیدایش نفت است. ثروت نفتی عراق و لیبی، یکی از عوامل مؤثر در از هم پاشیدگی این دو کشور شد. اما شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و عربستان این مشکل را ندارند. علتش شاید این باشد که این کشورها ساختار قبیله‌ای خودشان را حفظ کرده‌اند و هنوز هم با قدرت در همین مسیر گام برمی‌دارند. نکته دیگر اینکه در این کشورها تحول رادیکالی که منجر به تغییر رژیم شود، به تنهایی اتفاق نخواهد افتاد؛ یعنی با همه با هیچ، به همین دلیل بود که وقتی بحرین تارام شد، از هم فروپاشید.

مسجدجامعی گفت: موضوع دیگر اینکه در این کشورها تحولات از بالا به پایین است، نه از پایین به بالا. این کشورها گرایش حبلی دارند و در چارچوب فقه حبلی، مقابله با حاکم و نظام حاکم به هر دلیل و با هر کیفیت، حرام است. نکته دیگر اینکه نگاه این کشورها به ایران به‌عنوان کشور، نه به‌عنوان نظام، نگاه و دیدگاه مشترک استی، ممکن است به صورت فردی حرف‌العاده‌هایی شود. اما ایران، نامتعلق مشترک آنها نگاه ملایم نسبت به ایران است.

تحولات و تغییر مرکز

به گفته وی، این مجموعه عربی در سال ۱۰ اخیر تحولات درونی سنگینی را تجربه کرده که به‌خصوص از آغاز بهار عربی شدت یافت. در زمان جمال عبدالناصر، مرکز جهان عرب، قاهره بود و حتی پس از شکست اعراب، اسرائیل در «جنگ شش روزه»، اگرچه موضع ناصر تا حدی متزلزل شد، اما حالت کاربزماتیک ناصر ادامه پیدا کرد. در زمان زامر سادات هم به‌خصوص پس از «توافق کمپ‌دوید»، موضع مصر ضعیف شد. در زمان حسنی مبارک نیز باز مرکز اعراب تا حد قابل قبولی قاهره بود؛ اما تحول پیدا کرده است.
مسجدجامعی گفت: در دوران عبدالفتاح سیسی، کشورهای عربی خلیج فارس پربرگ تر شده‌اند و عملاً در حال حاضر به صورت پذیرفته شده، سخنگوی اعراب شده‌اند و اینها در حال حاضر بخش کلونی جهان عرب هستند.
مسجدجامعی تأکید کرد: نکته دیگر اینکه درک اینها درباره زمانه جدید چیست؟ در مورد منطقه چیست؟ و در مورد خودشان چیست؟ آنچه می‌توان به طور خلاصه گفت این است که این درک در طی ۷۰ سال پس از کشف نفت، فوق‌العاده لایه به لایه است و بسیار تحول پیدا کرده‌است. گرچه تصور مانسبت به این کشورها همان تصورات قدیمی است؛ اما واقعیت این است که اینها فقط به‌لحاظ ساختاری متصل شده‌اند، بلکه درکشان از اوضاع نیز فوق‌العاده تحول پیدا کرده است.
وی افزود: موضوع این است که اینها در حال حاضر در چه وضعیتی هستند؟ خلاصه داستان این است که اینها چند مرحله مختلف دارند: نخست مرحله پیش از کشف نفت است که

شامل یک مجموعه بدوی قبیله‌ای است؛ اما پس از کشف نفت که از دهه ۵۰ قرن گذشته میلادی آغاز می‌شود، تا اواسط دهه ۹۰ بسیار رونق‌مند می‌شوند

و معتقدند این ثروت، برکت خداوند است و باید از آن لذت ببرند و مشکلات را با پول نفت رفع کنند. اما در اواسط دهه ۹۰ عملاً تحولاتی از قطر آغاز شد و پدر امیر کنونی قطر، پدرش راز قدرت بزرگاو برسد و قدرت جدیدی را ایجاد کرد. مدلی که پدر امیرکنونی قطر ایجاد کرد، بعدها الگوی پنج کشور دیگر شورای همکاری می‌شد. این مدل که هنوز در قطر ادامه دارد، این است که وضعیت قبلی را که در انزوا بودند و هدف فقط لذت بردن از زندگی بود، کنار گذاشتند و وارد مرحله منطقه‌ای و جهانی شدند،

به‌عنوان کشورهای که میاندار سحاب و میانجیگری می‌کنند. به همین دلیل قطر شروع به تحول زیرساخت‌ها کرد و ساخت ورزشگاه‌های مختلف، هتل‌های مجلل و سالن‌های کنفرانس را آغاز کرد و خواست وارد صحنه شود. این جریان از سال ۲۰۰۰ به بعد، برای بقیه شیخ‌نشین‌ها به‌خصوص عربستان، امارات واندازه‌های کویت مدل قرار گرفت. مرحله بعدی که در حال حاضر در آن زندگی می‌کنند و مرحله بسیار حساس و مهمی است، این است که برای توسعه خودشان برنامه‌ریزی کنند. حتی عمان که کشور مزی و متفاوتی است، در سال‌های اخیر کارهای زیرساختی مهمی انجام داده که حیرت‌انگیز است و موفق هم بوده و به اصطلاح، توسعه‌مدار است.

مسجدجامعی گفت: در بین اینها یک کشور حالت استثنایی دارد و آن امارات است. مسئله این کشور فقط توسعه نیست، بلکه می‌خواهد آلتاجا که بتواند، در کشورهای دیگر دخالت کند. اما در کل برابر همه این کشورها به‌رغم توسعه‌مبارانه است و آنچه به این جریان کمک کرد، علاوه بر کرنا، مسئله جنگ اوکراین است. این اوکراین روابط بین‌الملل را درگزون کرد و آنچه در این جنگ اهمیت دارد، هدف فقط زدن روسیه نیست، عملاً زدن چین است و به‌عنوان یک کشور، این طرف‌ها به‌عنوان به‌خصوص به‌لحاظ تکنولوژی، به‌مراتب بیش از روسیه است و این خطر بزرگی برای غرب است. لذا شکست روسیه موضوع جبران انرژی بزرگ شد؛ چون کار روسیه به‌طور قطع دل‌ناله دنبال جایگزین برای گاز روسیه بودند. جنگ اوکراین به طور طبیعی روسیه و چین را پس‌آورد، آمریکایی‌ها هم که بودند؛ مهم‌هوشمندشیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس چگونه با این دو بازی کنند تا جایی که سیاست‌دولت‌تارم‌با آنها کاملاً متفاوت است

از سیاست دولت باین تا آنهاست. شیخ‌نشین‌ها به ضصوص عربستان هم‌راه‌هایی در اختیار دارند که می‌توانند به‌امریکا فشار بیاورند و مجبورش کنند حرف‌انها را ملاحظه کنند. وقتی مذاکرات آمریکا با شیخ‌نشین‌های‌خصوصی پس از جنگ اوکراین راه‌ملاحظه کنیم، می‌بینیم که شکل آن با مذاکرات پیشین بسیار متفاوت است و این عمدتاً به دلیل جنگ اوکراین است که سبب شده شیخ‌نشین‌هایک استقلال‌را پیدا کنند. **مهندس خسرو رودانی، مدیر عامل شرکت شنای شاور**

در ادامه، مهندس خسرو رودانی مدیرعامل شرکت «جندی شاپور» بایبان این که بزرگترین مین‌گذار تاریخ، استعمار بوده و هر کجا نفوذ داشته، از آنجا مین مناقشات را کار گذاشته است گفت: استعمار هر جایی که بوده برای مثال بین چین و هند، بین هند و پاکستان، بین کویت و عربستان، کویت و عراق، قطر و عربستان مین خود را راقع گذاشته است تا به موقع بتوانند نوا راقل کند و تهدیداتش را هم فراهم کرده است. آنچه مهم است اینکه بین «مناسبات» و «مناقشات» رابطه معکوس و بین

مناسبات و «رشد اقتصادی»، ارتباط مستقیم وجود دارد؛ لذا باید مزیت‌های نسبی را که در منطقه وجود دارد، بینیم. اینکه قدرتی در منطقه هستیم با بسیاری از رهبران خلیج فارس ایرانی الاصل هستد، مزیت نسبی برای ماست و می‌توانیم روی این موضوع کار کنیم. ما به همکاری نیاز داریم و نگاهمان باید مناسباتی باشد. وقتی اتفاقی می‌افتد، متوجه می‌شویم دو پشته‌نامه مهم است: همکاری منطقه‌ای و پشته‌نامه مردمی که در می اولی مهمتر است. در منطقه هر کس این دو پشته‌نامه را نداشته باشد، اگر اتفاقی بیفتد، برای مقابله دچارضعف خواهد بود.

مهندس سحاب، مدیر مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب

مهندس محمد رضا سحاب مدیر مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب بایبان که پدرش از سال ۱۳۳۸ خورشیدی در اولی مهمتر است. در منطقه دنیال مطلب مربوط به خلیج فارس بود، گفت: سال ۱۳۷ بعد از کودتای «عبدالکریم قاسم» در عراق، او در اولین سخنرانی‌اش خلیج فارس را عربی خواند

و مدعی خورستان هم شد. پس از آن ادعا پدرم شروع به جمع‌آوری اسناد و مدارک کرد و نمایشگاهی از اسناد خلیج فارس را در دهه ۴۰ میلادی برگزار کرد و به دنبال مورد استقبال قرار گرفت و به بسیار برنامه‌ریزی کنند. حتی عمان که کشور مزی و متفاوتی است، در سال‌های اخیر کارهای زیرساختی مهمی انجام داده که حیرت‌انگیز است و موفق هم بوده و به اصطلاح، توسعه‌مدار است.

مسجدجامعی گفت: در بین اینها یک کشور حالت استثنایی دارد و آن امارات است. مسئله این کشور فقط توسعه نیست، بلکه می‌خواهد آلتاجا که بتواند، در کشورهای دیگر دخالت کند. اما در کل برابر همه این کشورها به‌رغم توسعه‌مبارانه است و آنچه به این جریان کمک کرد، علاوه بر کرنا، مسئله جنگ اوکراین است. این اوکراین روابط بین‌الملل را درگزون کرد و آنچه در این جنگ اهمیت دارد، هدف فقط زدن روسیه نیست، عملاً زدن چین است و به‌عنوان یک کشور، این طرف‌ها به‌عنوان به‌خصوص به‌لحاظ تکنولوژی، به‌مراتب بیش از روسیه است و این خطر بزرگی برای غرب است. لذا شکست روسیه موضوع جبران انرژی بزرگ شد؛ چون کار روسیه به‌طور قطع دل‌ناله دنبال جایگزین برای گاز روسیه بودند. جنگ اوکراین به طور طبیعی روسیه و چین را پس‌آورد، آمریکایی‌ها هم که بودند؛ مهم‌هوشمندشیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس چگونه با این دو بازی کنند تا جایی که سیاست‌دولت‌تارم‌با آنها کاملاً متفاوت است

از سیاست دولت باین تا آنهاست. شیخ‌نشین‌ها به ضصوص عربستان هم‌راه‌هایی در اختیار دارند که می‌توانند به‌امریکا فشار بیاورند و مجبورش کنند حرف‌انها را ملاحظه کنند. وقتی مذاکرات آمریکا با شیخ‌نشین‌های‌خصوصی پس از جنگ اوکراین راه‌ملاحظه کنیم، می‌بینیم که شکل آن با مذاکرات پیشین بسیار متفاوت است و این عمدتاً به دلیل جنگ اوکراین است که سبب شده شیخ‌نشین‌هایک استقلال‌را پیدا کنند. **مهندس خسرو رودانی، مدیر عامل شرکت شنای شاور**

در ادامه، مهندس خسرو رودانی مدیرعامل شرکت «جندی شاپور» بایبان این که بزرگترین مین‌گذار تاریخ، استعمار بوده و هر کجا نفوذ داشته، از آنجا مین مناقشات را کار گذاشته است گفت: استعمار هر جایی که بوده برای مثال بین چین و هند، بین هند و پاکستان، بین کویت و عربستان، کویت و عراق، قطر و عربستان مین خود را راقع گذاشته است تا به موقع بتوانند نوا راقل کند و تهدیداتش را هم فراهم کرده است. آنچه مهم است اینکه بین «مناسبات» و «مناقشات» رابطه معکوس و بین

مناسبات و «رشد اقتصادی»، ارتباط مستقیم وجود دارد؛ لذا باید مزیت‌های نسبی را که در منطقه وجود دارد، بینیم. اینکه قدرتی در منطقه هستیم با بسیاری از رهبران خلیج فارس ایرانی الاصل هستد، مزیت نسبی برای ماست و می‌توانیم روی این موضوع کار کنیم. ما به همکاری نیاز داریم و نگاهمان باید مناسباتی باشد. وقتی اتفاقی می‌افتد، متوجه می‌شویم دو پشته‌نامه مهم است: همکاری منطقه‌ای و پشته‌نامه مردمی که در می اولی مهمتر است. در منطقه هر کس این دو پشته‌نامه را نداشته باشد، اگر اتفاقی بیفتد، برای مقابله دچارضعف خواهد بود.



زبیره هرمز از دست اشغالگران پرتغالی تا شهدای جنگ تحمیلی که در این پیهنه زبیلی نلیگون از حیثیت و شرف ایرانی دفاع کردند، باید‌یادشان راهمیشه کرامی پدرایم که برای همیشه مدیون آنان خواهیم بود. ما همواره مدیون رشادت‌های دل‌لایه‌های کورانه‌های هستیم که از جانشان مایه گذاشتند تا امروز سربلند باشیم.

چالش‌شناختی

وی بایبان این که دنیا گرفتار «چالش شناختی» است و بسیاری از مشکلاتی که با آنها روبرو هستیم، از این چالش نشأت می‌گیرد. افزود: همه دوست دارند به کشور و منطقه خدمت کنند و هیچ‌کس نمی‌خواهد تا نای بی از خود در تاریخ به یادگار بگذارد؛ اما اشتباهات و خطاهایی که صورت می‌گیرد، به دلیل شناخت و ادراک نادرست است. می‌خواهم چند ادراک نادرست را از طرف خلیج فارس مطرح کنم که باعث شده منطقه مانجه خشن است از آراش، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز رانداشته باشد.

امروز تا حد قابل توجهی دوستان ما در جنوب خلیج فارس اندر انکاشان رادرست می‌کنند و البته هنوز باقی مانده‌هایی از این ادراک غلط در میانمان وجود دارد که یکی از آنها «خریدامنیت» است. وقتی اینها در اختیار رسیدند، گفتند همه چیز را می‌شود خرید، از جمله امنیت واین تفکر یا توهم، مگامان وجود دارد.

دنیا‌دیگر «دنیای قطعی» سابق نیست که بتوان با وابستگی به یک قطب، برای خود امنیت ایجاد کرد. واقعیت جهان خردی این بود که از نظر خفاصت و حمایت بین مرکز و پیرامون یا بین آن قطب و مرید همواره وجود داشت. پیرامون نسبت به مرکز وفادار بود و مرکز برای پیرامون حمایت می‌کرد؛ اما رابطه بین نمی‌گوید ایرانی‌ها سلاح‌حسان قوی است، بلکه می‌گوید: «غزور ایرانی را زیر پا نگذار! درست‌ساست که امروز تو دست آن‌این ماجرا از سال ۱۹۶۰ به وجود آمد. به هر حال در تمامی نقشه‌های کتاب احمد سوسه نوشته شده است: «بحر فارس» یا «دنیای خلیج فارس» این سند معتبری است. از این معتبرتر که استاد دانشگاه بغداد بگوید «بحر فارس»؟ علاوه بر این، در چند نشریه هم که سال‌های بعد از کشف نفت در ایران منتشر شد، در مجله‌ای که به انگلیسی هم ترجمه شده، نام خلیج فارس به کار رفته است. در کتاب برداشتی از صفحه‌ای «الموضوع العربیه المیسره» نیز بحر فارس نوشته شده است. در «المنجد» قدیم نیز به همین شکل بود که در نسخه جدید تغییرش داده‌اند. من همه این اسناد را به عنوان وظیفه ملی و مهینی جمع‌آوری کرده‌ام.

مدیر مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب با اشاره به برخی تلاش‌های اعراب از جمله یک عربستان که به دانشگاه «مک‌ستور» پی‌اود داد تا کنفرانسی با نام جعلی برای خلیج فارس برگزار کند و آن دانشگاه نپذیرفت، ادامه داد: این پول‌هایی است که اعراب خرج می‌کنند و کوتاه هم نمی‌آیند؛ چون می‌خواهند تا حقن را حق جلوه‌دهند. کنفرانس‌هایی که در داخل برگزار می‌شود، خوب است؛ اما باید به کشورهای اروپایی راه پیدا کند. ما با تمامی دانشگاه‌های اروپایی ارتباط نداریم و برگزاری نشست‌هایی در این باره هزینه زیادی ندارد.

دکتر محمد جواد ظریف سخنان پیاپی این نشست دکترومحمد جواد ظریف وزیر سابق امور خارجه و استاد دانشگاه تهران بود. وی با گرامی‌داشت یاد و خاطره مرحوم داعی در بالندگی مؤسسه اطلاعات، اظهارداشت: خلیج فارس یادآور و خاطره همه دلاورمردان و دلاورزنانی است که اعراب خورج می‌کنند؛ اما باید به کشورهای اروپایی راه پیدا کند. وقت سازمان ملل متحد (خاویر پز دکیویا) نشان می‌دهد همان زمان هم

امنیت منطقه‌ای خود را در ماه‌ای در سال ۱۹۸۵ به امضای دکتر ولایتی به دبیر کل دادیم. بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر نامه ایران است که می‌گوید: باید در منطقه امنیت ایجاد شود؛ اما از آن روز این کار را نکردند. وقتی که آقای روحانی طرح «صلح هرمز» را ارائه کرد، عربها گفتند باید سر کنیم آمریکا به ایران فشار بیاورد و شرایط مابهرتر شود؛ وقتی شیخ «جابر احمد الصباح» امیر سابق کویت، طرح صلح خود را در کنفرانس «منامه» ارائه کرد، شاه بحرین گفت: ترامب سر کار آمده است و بگذاردید ایرانی‌ها فشار بیاورد تا بتوانیم امتیازات بیشتری بگیریم! اینها همواره دنبال خریدامنیت بودند. وقتی که «ارامکو» مورد حمله قرار گرفت، توقع داشتند آمریکا به دادشان برسد، ولی باز هم آن تفکر را کنار نگذاشتند. اکنون می‌خواهند از اسرائیل امنیت بخرند! این اشتباه ادراکی اول است که دوستان ما در جهان دارند، اما امنیت خریدنی نیست و این اشتباه باید اصلاح شود.

این استاد دانشگاه بایبان این که اشتباه ادراکی دوم که بین ما و عربها مشترک است (البته بیشتر در ما وجود دارد) این است که فکر می‌کنیم آمریکا می‌خواهد حضورش را در این منطقه گسترش دهد، افزود: آمریکا اولویتش از خلیج فارس خارج شده است. سیاست آمریکا انتقال مرکز نقل حضور حتی از اتلانتيک به به نیویورک آمد، (من در آن زمان در نیویورک بودم) گفت: «تا مذاکره صورت نگیرد، آتش بس نخواهیم کرد». دکتر ولایتی هم آنجا بودند و منتظر. طارق عزیز از قول صدام این حرف را زد و رفت. دبیرکل را بدین چنین وضعی با اجورج عزیز از قول صدام این حرف را زد و رفت. یعنی اگر بخواند شریک آوردیم! می‌گویند: «چرا آمریکا برجام را پذیرفت؟ اگر به نفعش نبود آن نمی‌رسد. بعضی از ما خیال می‌کنیم چون آمریکا قدر قدرت است، به همه چیز می‌رسد؛ انکار برای اگر بخواند شریک آوردیم